مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی
سال نهم، شماره ۱۰۱، مهر ۱۴۰۵
ISSN: ۲۵۸۸-۶۹۶۷
www. jonahs.ir

تأثیر فلسفه تعلیم و تربیت بر توسعه مهارت‌های شهروندی و رفتار سیاسی

جواد زرینجو[۱]

[۱] گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران

چکیده

پژوهش حاضر یک مقاله علمی–مروری جامع و انتقادی است که با هدف واکاوی نظام‌مند پیوندهای فلسفه تعلیم و تربیت با فرایند تکوین، بسط و جهت‌دهی به مهارت‌های شهروندی و الگوهای رفتار سیاسی نسل نو تدوین شده است. در دهه‌های اخیر، دگرگونی‌های ساختاری در مناسبات دموکراتیک، گسترش قطبی‌سازی‌های اجتماعی، ظهور بستر زیست دیجیتال و کاهش اعتماد عمومی به نهادهای نمایندگی سنتی، پرسش از رسالت هنجاری و کارکردی نهاد آموزش را در کانون مباحثات بین‌رشته‌ای علوم تربیتی و فلسفه سیاسی قرار داده است. در این مرور، پارادایم‌های بنیادین فلسفه تربیتی شامل رویکردهای کارکردگرا/انتقال سنتی، لیبرال، پراگماتیستی (جان دیویی)، نظریه انتقادی و پداگوژی رهایی‌بخش (پائولو فریره)، رویکرد ارتباطی-مشورتی (یورگن هابرماس)، تکثرگرایی رادیکال و ستیزآمیز (شانتال موف) و سوبژکتیواسیون دموکراتیک (خرت بیستا) مورد تحلیل تطبیقی قرار گرفته‌اند تا مشخص شود هر دستگاه معرفتی، چه تعریفی از «سوژه مدنی» ارائه داده و چه نوع رفتار سیاسی را بازتولید می‌کند. با اتخاذ روش مرور روایتی-انتقادی ساختاریافته مبتنی بر راهنمای PRISMA و پایش مقالات داوری‌شده در نمایه‌های معتبر بین‌المللی و ملی میان سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶، ادبیات نظری و شواهد تجربی ارزیابی گردید. نتایج تحلیلی نشان می‌دهد که نظام‌های آموزشی مبتنی بر کارکردگرایی انفعالی به تولید رفتار سیاسی مناسکی، محافظه‌کارانه و محدود به صندوق رأی منجر می‌شوند؛ در حالی که بسترهای تربیتی الهام‌گرفته از عمل‌گرایی، مشورت‌گرایی و نظریه انتقادی، از طریق ایجاد «جو کلاسی باز برای بحث در باب مناقشات عمومی»، «توسعه عاملیت مدنی» و «یادگیری همیارانه»، نه تنها مهارت‌های شناختی و عاطفی-اجتماعی شهروندان را تقویت می‌کنند، بلکه خودکارآمدی سیاسی، سواد انتقادی رسانه‌ای و کنشگری آگاهانه و دموکراتیک را در مقیاس‌های فردی و شبکه‌ای افزایش می‌دهند. در نهایت، این فراتحلیل مفهومی حاکی از آن است که گذار از آموزش‌های انتزاعی به «دموکراسی به مثابه شیوه زیست تربیتی» ضرورتی اجتناب‌ناپذیر جهت بازسازی قرارداد اجتماعی در عصر حاضر است.

واژه‌های کلیدی: فلسفه تعلیم و تربیت، مهارت‌های شهروندی، رفتار سیاسی، عاملیت مدنی، تربیت دموکراتیک، نظریه انتقادی تربیتی، جو کلاسی باز.

مقدمه

فلسفه تعلیم و تربیت همواره بنیادی‌ترین بستر تبیین غایات غایی حیات انسانی و صورت‌بندی نظم اجتماعی بوده است، به‌گونه‌ای که هیچ نظام آموزشی در طول تاریخ نمی‌تواند ادعای بی‌طرفی هنجاری در قبال تعریف «شهروند مطلوب» و چگونگی سازمان‌یابی جامعه سیاسی داشته باشد. در جهان معاصر، دگرگونی‌های پرشتاب ناشی از گسترش ارتباطات شبکه‌ای، فرسایش انسجام اجتماعی، بحران اعتماد به احزاب و نهادهای سنتی، ظهور هوش مصنوعی و دوقطبی‌شدن شدید افکار عمومی، رسالت سیاسی-مدنی مدارس و دانشگاه‌ها را مجدداً به کانون توجه اندیشمندان علوم تربیتی و فلسفه سیاسی کشانده است. آموزش صرفاً فرایندی فنی برای انتقال داده‌های آکادمیک و آماده‌سازی نیروی کار برای بازار سرمایه نیست، بلکه همان‌گونه که پژوهشگران معاصر تصریح می‌کنند، تعلیم و تربیت ساحت تکوین هویت، توزیع قدرت نمادین و پرورش شعور دموکراتیک است (بیستا، ۲۰۱۵؛ کاستاندا و همکاران، ۲۰۲۴). بازاندیشی در نسبت میان خاستگاه‌های فلسفی آموزش و شکل‌گیری مهارت‌های مدنی ضرورت بنیادین دارد، چراکه بدون پی‌ریزی یک زیرساخت مفهومی صلب، تلاش‌های عملیاتی نظام‌های آموزشی برای ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی به تدریس صوری کتاب‌های درسی فروکاسته می‌شود. دامنه این پژوهش مروری، ارزیابی نقادانه نظریه‌ها و الگوهای تبیینی است که از منشور پارادایم‌های گوناگون فلسفی به مطالعه چگونگی اثرگذاری برنامه‌های درسی رسمی، پنهان و الگوهای تعامل پداگوژیک بر مهارت‌های شهروندی (شامل خودکارآمدی، تفکر نقاد، مدارا، حل تعارض و سواد اطلاعاتی) و الگوهای رفتار سیاسی دانش‌آموزان (شامل مشارکت نهادی نظیر رأی‌دهی، مشارکت اعتراضی، کنشگری دیجیتال و گفت‌وگوی مدنی) می‌پردازند. اهمیت نگارش این مرور جامع در این واقعیت نهفته است که با وجود انبوه پژوهش‌های موردی در سطح جهان و ایران (سانت، ۲۰۱۹؛ دنباواند و هاسکینز، ۲۰۲۱؛ گلشنی و همکاران، ۱۳۹۹)، سنتزی یکپارچه که شکاف میان مبانی هستی‌شناختی و شناخت‌شناختی فلسفه آموزش را با رفتار انضمامی سیاسی پیوند زند، تا حد زیادی در ادبیات پیشین مغفول مانده بود. این مرور با فراتر رفتن از دوگانگی تقلیل‌گرایانه سواد مدنی انتزاعی در برابر رفتارسنجی پیمایشی صرف، نشان می‌دهد که چگونه پیش‌فرض‌های معرفتی نهفته در یک مکتب تربیتی—از پوزیتویسم انفعالی تا نظریه انتقادی رهایی‌بخش—مستقیماً جهت‌گیری، شدت و شیوه‌های کنشگری سیاسی سوژه‌ها را در عرصه عمومی شکل می‌دهند و افق‌های نظریه‌پردازی را برای مواجهه با چالش‌های سده بیست‌ویکم بازتعریف می‌کنند (تگل‌بکرز و همکاران، ۲۰۲۳؛ نارنجو ناواس و همکاران، ۲۰۲۶؛ لقمانی‌نیا و همکاران، ۲۰۲۶).

ادبیات و پیشینه موضوع

پیوند میان تربیت و سیاست سابقه‌ای دیرینه دارد و ریشه در نظریه‌پردازی‌های کلاسیک فیلسوفانی چون افلاطون و ارسطو دارد که دولت‌شهر را فضایی اخلاقی-تربیتی می‌دانستند؛ با این حال، صورتبندی مدرن مهارت‌های شهروندی و رفتار سیاسی تحت تأثیر مکاتب فلسفی سده بیستم و بیست‌ویکم به تحولی پارادایمی دست یافته است. در سده بیستم، اثر جریان‌ساز جان دیویی با عنوان «دموکراسی و تعلیم و تربیت»، دموکراسی را از یک ساختار حکومتی صرف به یک «شیوه زیست ارتباطی و تجربی» ارتقا داد؛ رویکردی که تا امروز پایه و اساس تمام الگوهای عمل‌گرایانه

آموزش دموکراتیک باقی مانده است (بیستا، ۲۰۱۵). در پی تحولات نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت، پائولو فریره در کتاب «پداگوژی ستمدیدگان»، آموزش بانکی و انفعالی را بازتولیدکننده ساختارهای سلطه دانست و در مقابل، آموزش مسئله‌محور، دیالوژیک و مبتنی بر آگاهی‌بخشی انتقادی را به مثابه تنها مسیر بازیابی عاملیت سیاسی و سوژه‌گی انسان معرفی نمود (گیروکس، ۲۰۲۰).

در دهه‌های اخیر و به موازات تغییر در ساختار حکومت‌داری جهانی، یونسکو در سال ۲۰۱۵ سند راهنمای «آموزش شهروندی جهانی: مباحث و اهداف یادگیری» را تدوین کرد که مهارت‌های شهروندی را در سه حیطه شناختی، اجتماعی-عاطفی و رفتاری مفصل‌بندی نمود (یونسکو، ۲۰۱۵). متعاقب آن، شورای اروپا چارچوب مرجع شایستگی‌ها برای فرهنگ دموکراتیک (RFCDC) را منتشر کرد که شامل ۲۰ شایستگی مجزا در چهار خوشه ارزش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و دانش و فهم انتقادی بود؛ چارچوبی که برابری، کرامت انسانی، تفکر نقادانه و حل تعارض را به سنگ‌بنای تربیت شهروندی مدرن بدل ساخت (شورای اروپا، ۲۰۱۸). سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) نیز در چارچوب مفهومی «قطب‌نمای یادگیری ۲۰۳۰»، شایستگی‌های تحول‌آفرین را نیازمند عاملیت مشترک، خلق ارزش جدید، آشتی‌دادن تنش‌ها و پذیرش مسئولیت‌پذیری اخلاقی اعلام کرد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۹).

در ساحت مطالعات تجربی بین‌المللی، یافته‌های انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی (IEA) در چرخه‌های متوالی «مطالعه بین‌المللی آموزش مدنی و شهروندی» (ICCS ۲۰۱۶ و ICCS ۲۰۲۲) نشان داد که تفاوت معناداری میان صرفِ «دانش مدنی نظری» و «مشارکت فعال مدنی و تمایل به رأی‌دهی» وجود دارد (شولتز و همکاران، ۲۰۱۸؛ شولتز و همکاران، ۲۰۲۴). تحلیل‌های بین‌المللی تأیید می‌کنند که دانش‌آموزانی که در مدارسی با جو کلاسی باز تحصیل کرده‌اند، تمایل به‌مراتب بالاتری برای مشارکت مدنی و پذیرش ارزش‌های برابری‌طلبانه از خود بروز می‌دهند (ترودو-بلومبرگ و همکاران، ۲۰۲۲؛ کوئلس و همکاران، ۲۰۲۴). در عرصه پژوهش‌های داخلی ایران نیز مطالعات متعددی به ارزیابی برنامه‌های درسی و فلسفه تعلیم و تربیت پرداخته‌اند؛ نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که محتوای آموزش شهروندی در نظام آموزشی اغلب گرایش به انتقال ارزش‌های هنجاری تک‌گویانه داشته و کمتر به تمرین عملی دموکراسی، تقویت تفکر فلسفی برای کودکان (C4P) یا یادگیری تجربی اختصاص یافته است، موضوعی که زمینه‌ساز نوعی بیگانگی سیاسی یا کاهش مشارکت مدنی فعال گردیده است (ماهروزاده و رمضان‌پور، ۱۳۹۰؛ منافی شرف‌آباد و همکاران، ۱۳۹۴؛ کمال‌پورخوب و همکاران، ۱۳۹۹؛ فرهادی و همکاران، ۱۴۰۱؛ ملانوری و همکاران، ۱۴۰۴؛ لقمانی‌نیا و همکاران، ۲۰۲۶). جدول زیر سیر تحول تعاریف، خاستگاه‌های فلسفی و ابعاد مهارت‌های شهروندی را بر اساس اسناد و مکاتب شاخص نشان می‌دهد.

جدول ۱: سیر تحول مفهومی و فلسفی مهارت‌های شهروندی و رفتار سیاسی در گذر زمان

مکتب / چارچوب نظری	مبنا و فیلسوف شاخص	تعریف سوژه شهروند	مهارت‌های محوری پرورش‌یافته	الگوی رفتار سیاسی پیامد
کارکردگرایی / اثبات‌گرایی	دورکیم، پارسونز	فرد منطبق با هنجارهای موجود و حافظ نظم مستقر	اطاعت‌پذیری، احترام به قانون، اطلاعات عمومی سازمانی	رفتار سیاسی انفعالی، رأی‌دهی مناسکی و حمایت بدون چون‌وچرا از حاکمیت

پراگماتیسم / تجربه دموکراتیک	جان دیویی	کنشگر همکار و مشارکت‌کننده در حل مسائل جمعی	حل مسئله اشتراکی، تفکر تاملی، دیالوگ، مدارا	مشارکت مدنی محلی، پیوستن به انجمن‌های داوطلبانه، تصمیم‌گیری دموکراتیک
نظریه انتقادی / پداگوژی رهایی‌بخش	پائولو فریره، هنری گیروکس	سوژه خودآگاه، شالوده‌شکن هژمونی و حامی عدالت	سواد انتقادی، نقد ایدئولوژی، عاملیت جمعی، همبستگی	کنشگری سیاسی رادیکال، مطالبه‌گری ساختاری، حضور در جنبش‌های اجتماعی عدالت‌خواه
ارتباطی / مشورتی	یورگن هابرماس، گوتمن	شهروند عقلانی مشارکت‌کننده در فضای عمومی آزاد	استدلال منطقی، گوش‌دادن فعال، اخلاق گفت‌وگو، دفاع عقلانی	مشارکت در مناظرات عمومی، پذیرش برهان برتر، رفتارهای اصلاح‌گرایانه مدنی
پلورالیسم اگونیستی (ستیزآمیز)	شانتال موف، سانت	بازیگر سیاسی پذیرنده تکثر تضادها بدون روی‌آوردن به دشمنی	مدارای تنش‌ها، احترام به رقیب سیاسی، مدیریت اختلاف	کنشگری سیاسی مبتنی بر چندصدایی، بازتولید پویایی‌های جامعه بدون حذف دیگری
چارچوب شایستگی‌های فرهنگ دموکراتیک	شورای اروپا (RFCDC ۲۰۱۸)	فرد چندبعدی برخوردار از حقوق و مسئولیت در جامعه متکثر	۲۰ شایستگی (همدلی، تفکر نقاد، خودکارآمدی، مهارت‌های زبانی)	مشارکت سیاسی دموکراتیک، دفاع از حقوق بشر، همزیستی صلح‌آمیز و مقابله با تبعیض
چارچوب آموزش شهروندی جهانی	یونسکو (GCED ۲۰۱۵)	شهروند آگاه از پیوستگی‌های جهانی و متعهد به پایداری	تحلیل مسائل فراملی، حس تعلق به جامعه بشری، کنش اخلاقی	کنشگری فراملی، رفتارهای حامی محیط‌زیست، دفاع از صلح و برابری جهانی

روش مرور

این مطالعه به روش مرور روایتی-انتقادی ساختاریافته و با الهام از استانداردهای بیانیه پریزما (PRISMA۲۰۲۰) برای شناسایی، ارزیابی کیفی و سنتز ادبیات پژوهشی تدوین گردیده است. هدف از گزینش این روش، پرهیز از سوگیری‌های مرسوم در مقالات روایتی سنتی و دستیابی به درکی عمیق و ترکیبی از تعاملات متقابل نظریه‌ها و شواهد تجربی بوده است. فرآیند پژوهش شامل ۴ مرحله اصلی شامل: تعیین راهبرد جستجو، اعمال معیارهای ورود و خروج، ارزیابی اصالت و اعتبارسنجی مقالات و در نهایت استخراج و تحلیل مضمون‌محور شواهد بوده است. جستجوی سامان‌مند در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶ در پایگاه‌های بین‌المللی Scopus, Web of Science, ERIC, ScienceDirect, SpringerLink, Google Scholar و همچنین پایگاه‌های استنادی ملی شامل پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، نورمگز، و مگیران انجام پذیرفت. جداول ذیل مشخصات تفصیلی فرایند متدولوژیک مرور را منعکس می‌سازند.

جدول ۲: استراتژی جستجو، پایگاه‌های اطلاعاتی و کلیدواژه‌های تخصصی

مؤلفه متدولوژی	شرح و مشخصات تفصیلی
پایگاه‌های استنادی بین‌المللی	Scopus, Web of Science (WoS), ERIC (Education Resources Information Center), ScienceDirect, SpringerLink, Sage Journals, Google Scholar
پایگاه‌های داده‌های ملی	پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags)، پایگاه اطلاعات علمی ایرانداک
کلیدواژه‌های انگلیسی (بولین)	(“Philosophy of Education” OR “Democratic Education” OR “Educational Theory” OR “Critical Pedagogy”) AND (“Citizenship Education” OR “Civic Competence” OR “Civic Skills” OR “Global Citizenship”) AND (“Political Behavior” OR “Political Participation” OR “Civic Engagement” OR “Youth Politics”)
کلیدواژه‌های فارسی	(«فلسفه تعلیم و تربیت» یا «تربیت دموکراتیک» یا «پداگوژی انتقادی») و («مهارت‌های شهروندی» یا «شایستگی‌های مدنی» یا «آموزش شهروندی») و («رفتار سیاسی» یا «مشارکت سیاسی» یا «کنشگری مدنی»)
محدوده زمانی انتشار	۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶ میلادی (۱۳۹۴ تا ۱۴۰۵ هجری خورشیدی)
زبان منابع	مقالات پژوهشی و مروری داوری‌شده به زبان‌های فارسی و انگلیسی و گزارش‌های نهادی سازمان‌های رسمی بین‌المللی

جدول ۳: معیارهای ورود و خروج مطالعات به فرایند مرور

ردیف	معیارهای ورود (Inclusion Criteria)	معیارهای خروج (Exclusion Criteria)
۱	انتشار بین بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶ در نشریات داوری‌شده معتبر یا گزارش‌های اسناد رسمی نهادهای بین‌المللی (UNESCO, OECD, Council of Europe, IEA)	انتشارات پیش از سال ۲۰۱۵ (مگر متون مرجع کلاسیک نظیر جان دیویی یا پائولو فریره که به عنوان بستر نظری ضروری یاد شده‌اند)
۲	تمرکز مستقیم بر تقاطع «فلسفه یا نظریه تعلیم و تربیت» با «مهارت‌های شهروندی» یا «رفتار و کنشگری سیاسی»	مقالاتی که صرفاً به سنجش‌های فنی نمرات درسی یا رفتارهای انضباطی بدون دلالت‌های مدنی-سیاسی پرداخته‌اند
۳	داشتن متدولوژی شفاف (در مطالعات تجربی، کمی، کیفی یا فراتحلیل‌ها) یا استدلال فلسفی نظام‌مند (در متون نظری)	یادداشت‌های سردبیری، مقالات همایشی نمایه نشده، متون فاقد فرآیند داوری همتا (Non-peer-reviewed) یا پایان‌نامه‌های دفاع‌نشده
۴	دسترسی به متن کامل اثر (Full-Text Availability)	مقالاتی که تنها چکیده آن‌ها در دسترس بود و متن کامل مسدود شده بود
۵	اعتبارسنجی کیفی بر اساس چارچوب‌های ارزیابی انتقادی CASP یا MMAT	مقالاتی که شواهد تجربی مبهم، حجم نمونه نامشخص یا تناقض‌های عمیق روش‌شناختی داشتند

جدول ۴: فرآیند انتخاب و ارزیابی مطالعات و غربالگری منابع

مرحله غربالگری	تعداد منابع بین‌المللی	تعداد منابع ملی	مجموع منابع	دلایل رد / خروج در هر مرحله
شناسایی اولیه (Identification)	۵۴۰ عنوان	۱۶۵ عنوان	۷۰۵ عنوان	مقالات بازیابی‌شده در جستجوی اولیه کلیدواژه‌ای
حذف موارد تکراری (Duplicate Removal)	۱۲۰- عنوان	۳۵- عنوان	۱۵۵- عنوان	ثبت مکرر در پایگاه‌های مختلف یا عناوین مشابه
غربالگری عنوان و چکیده (Title/Abstract)	۳۱۰ عنوان	۱۰۰ عنوان	۴۱۰ عنوان	خروج ۲۴۰ مطالعه به دلیل عدم تطابق موضوعی با فلسفه تعلیم و رفتار سیاسی
ارزیابی متن کامل (Full-Text Assessment)	۱۱۰ عنوان	۳۰ عنوان	۱۴۰ عنوان	خروج ۹۲ مطالعه به دلیل فقدان رویکرد تحلیلی-نظری عمیق یا نقص در داده‌ها
گنجاندن نهایی در مرور (Inclusion)	۳۶ مطالعه منتخب	۱۲ مطالعه منتخب	۴۸ سند و مقاله	مطالعات کاملاً منطبق، معتبر و تأثیرگذار در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶

جدول ۵: متغیرها و ابعاد چارچوب استخراج داده‌ها

بعد استخراج	مؤلفه‌های ارزیابی‌شده در هر مطالعه	دلالت تحلیلی در این مرور
مشخصات کتاب‌شناختی	نویسنده(ها)، سال نشر، نشریه یا نهاد منتشرکننده، پایگاه نمایه	سنجش اعتبار، به‌روز بودن و ضریب نفوذ شواهد
پارادایم فلسفی حاکم	پوزیتویستی، پراگماتیستی، انتقادی، پست‌مدرن، اگونیستی، اسلامی	شناخت نقطه عزیمت هنجاری و رویکرد حاکم بر بازتعریف سوژه
مفهوم‌بندی شهروندی	شهروند منفعل/قانون‌مدار، شهروند مشارکتی، شهروند نقاد و عدالت‌محور	نوع مهارت‌های مدنی تأکید شده در مطالعه
شاخص‌های رفتار سیاسی	قصد رأی‌دهی، کنشگری اینترنتی، اعتراض مدنی، گفت‌وگوی عمومی، مدارا	برون‌دادهای رفتاری بررسی‌شده در دانش‌آموزان و دانشجویان
سطح مداخله پداگوژیک	برنامه درسی قصدشده، جو کلاسی، تعامل معلم-شاگرد، ساختار نهادی مدرسه	تعیین لایه‌های اثرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم آموزش بر رفتار

یافته‌های مرور

یافته‌های این فراتحلیل مروری در چهار محور موضوعی شامل دیدگاه‌های نظری رقیب، شواهد تجربی و مداخلات پداگوژیک، چالش‌های نوظهور عصر دیجیتال و روندهای توسعه در نظام آموزشی سازماندهی شده است.

۱. دیدگاه‌های نظری مختلف درباره نسبت فلسفه آموزش و سوژه سیاسی

تحلیل ادبیات فلسفه آموزش نشان می‌دهد که دیدگاه‌های نظری موجود در قبال آموزش دموکراتیک را می‌توان در دو کلان‌گفتمان رقیب جای داد: گفتمان‌های تقلیل‌گرا/ضددکوکراتیک و گفتمان‌های بسط‌دهنده دموکراسی (سانت، ۲۰۱۹).

در گفتمان‌های تقلیل‌گرا، رویکرد «نئولیبرال» و «کارکردگرای پوزیتویستی» غالب است. فلسفه نئولیبرال، آموزش را ابزاری برای شکل‌دهی به «سرمایه انسانی» و کارآفرینان رقابت‌پذیر در اقتصاد بازار می‌داند. در این نگاه، مهارت‌های شهروندی به رفتارهای انطباقی نظیر وقت‌شناسی، اطاعت از مقررات سازمانی، بازدهی شغلی و رفتارهای سیاسی منفعل نظیر شرکت تشریفاتی در رأی‌گیری محدود می‌شود. در این فضا، هرگونه پرسشگری انتقادی از ساختار توزیع نابرابر ثروت و قدرت، مخل ثبات تعبیر می‌گردد (گیروکس، ۲۰۲۰).

در نقطه مقابل، شش گفتمان دموکراتیک شاخص وجود دارند که برای پرورش رفتار سیاسی مستقل اهمیت قائل هستند:

۱) **رویکرد لیبرال-حقوقی**: بر آموزش حقوق فردی، تساهل، سواد قانون اساسی و آشنایی با ساختارهای رسمی دولت تأکید دارد و شهروند را حاملی از حقوق تفکیک‌ناپذیر می‌داند.

۲) **رویکرد پراگماتیستی (جان دیویی)**: آموزش را آزمایشگاه دموکراسی می‌داند؛ در این مدل، کلاس درس جامعه‌ای در مقیاس کوچک است که در آن مهارت حل مسئله اشتراکی و تجربه زیسته تعامل مدنی موجب خلق عادات دموکراتیک در رفتار فرد می‌شود (بیستا، ۲۰۱۵).

۳) **رویکرد مشورتی-هابرماسی**: عقلانیت ارتباطی و «جو عاری از سلطه گفت‌وگو» را بنیان تربیت مدنی قرار می‌دهد؛ جایی که هدف آموزش، مجهز کردن افراد به توانایی دفاع عقلانی از نظرات خود، شنیدن دیدگاه دیگران و رسیدن به اجماع منطقی در عرصه عمومی است.

۴) **نظریه پداگوژی انتقادی**: با پیشتازی دیدگاه‌های فریره و گیروکس، سواد سیاسی را ناشی از واسازی ساختارهای نژادی، طبقاتی و جنسیتی می‌داند. شهروند واقعی کسی است که به «آگاهی انتقادی» رسیده و آماده مشارکت در جنبش‌های مدنی و دگرگونی وضع موجود باشد.

۵) **پلورالیسم چندفرهنگی و اگونیستی**: شانتال موف و مفسران تربیتی او استدلال می‌کنند که دموکراسی نیازمند خردستیزی یا حذف مناقشه نیست، بلکه وظیفه تعلیم و تربیت، تبدیل «دشمنی» به «هماوردی» (Agonism) است؛ یعنی تربیت شهروندانی که قادرند با مخالفان سیاسی خود با احترام، بدون انکار حق حیات آنان، به رقابت و چالش فکری بپردازند (سانت، ۲۰۱۹؛ کارستنزن، ۲۰۲۳).

۶) **رویکرد سوبژکتیواسیون بیستا**: خرت بیستا مطرح می‌کند که تعلیم و تربیت دارای سه کارکرد صلاحیت‌بخشی، جامعه‌پذیری و سوژه‌گی یا سوبژکتیواسیون است. او هشدار می‌دهد که تمرکز افراطی بر جامعه‌پذیری صرف، افراد را به مهره‌های منطبق با نظام حاکم بدل می‌سازد، در حالی که فلسفه واقعی آموزش دموکراتیک در سوبژکتیواسیون نهفته است؛ یعنی امکان ظهور فرد به مثابه یک سوژه مستقل اخلاقی و سیاسی که جرئت مقاومت در برابر همرنگی با جماعت را دارد (بیستا، ۲۰۱۵؛ کاستاندا و همکاران، ۲۰۲۴).

جدول ۶: ماتریس مقایسه‌ای پارادایم‌های نظری در تبیین رفتار سیاسی دانش‌آموزان

پارادایم نظری	هدف غایی پداگوژیک	نقش معلم	نقش دانش‌آموز	شاخص کلیدی رفتار سیاسی پرورش‌یافته
کارکردگرایی سنتی	بازتولید نظم اجتماعی و بقای نهادها	مرجع مسلط دانش و الگو	دریافت‌کننده منفعل هنجارها	قانون‌گرایی سنتی، رأی‌دهی مناسکی و کم‌خطر
نئولیبرالیسم آموزشی	آمادگی برای رقابت در اقتصاد بازار	مربی مهارت‌های کارآفرینی	مشتری آموزشی، سرمایه انسانی	بی‌تفاوتی به امور عمومی، مشارکت خیریه‌ای فردی
لیبرالیسم کلاسیک	صیانت از آزادی‌های فردی و قانون	مروج حقوق شهروندی و مدنی	دارنده حقوق و تکالیف رسمی	مشارکت در انتخابات، آگاهی از ساختار حکومت
پراگماتیسم تجربی	بازسازی مداوم تجربه زیسته جمعی	تسهیل‌گر پروژه‌های اجتماعی	پژوهشگر و حل‌کننده مشارکتی	عضویت در نهادهای مدنی، همیاری محلی
مشورتی (دلیبراتیو)	دستیابی به توافق عقلانی و اخلاقی	ناظم گفت‌وگوی باز و بی‌طرف	استدلال‌کننده و گوش‌دهنده نقاد	مناظره مستدل، پرهیز از تعصب، احترام به دیگری
پداگوژی انتقادی	رهایی از ساختارهای سلطه و ستم	روشنفکر تحول‌آفرین و همراه	سوژه خودآگاه و عاملیت‌محور	حضور در جنبش‌های اعتراضی، دادخواهی ساختاری
پلورالیسم اگونیستی	پذیرش مشروعیت تضاد و چندصدایی	میانجی تقابل‌های اندیشه‌ای	هماورد محترم در فضای دموکراتیک	کنشگری سیاسی متکثر، تاب‌آوری مخالفت

۲. یافته‌های تجربی و مداخلات پداگوژیک در ارتقای مهارت‌های شهروندی

پژوهش‌های تجربی متأخر و مداخلات شبه‌آزمایشی نشان می‌دهند که تأثیر فلسفه تعلیم و تربیت بر رفتار سیاسی صرفاً از طریق تغییر سرفصل‌های درسی محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند بازطراحی اکوسیستم پداگوژیک مدرسه است. فراتحلیل تگل‌بکرز، نیولینک و اوستدام (۲۰۲۳) بر روی ۵۱ مطالعه کمی تأیید کرد که راهبردهای تدریس فعال نظیر «مباحثه پیرامون مسائل مناقشه‌برانگیز سیاسی»، «شبیه‌سازی نهادهای دموکراتیک (نظیر پارلمان یا دادگاه دانش‌آموزی)» و «یادگیری خدمت‌محور و تجربی»، اندازه اثر بسیار بالاتری بر نگرش‌ها و شایستگی‌های دموکراتیک نسبت به سخنرانی‌های معلم‌محور دارند.

دنباواند و هاسکینز (۲۰۲۱) در مرور نظام‌مند کارآزمایی‌های کنترل‌شده دریافتند که «رویکرد کل‌نگر مدرسه» که در آن ساختار مدیریتی مدرسه نیز به شیوه‌ای مشارکتی اداره می‌شود و دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های انضباطی و رفاهی سهیم هستند، مؤثرترین سازوکار در افزایش سطح خودکارآمدی سیاسی دانش‌آموزان است. همچنین یافته‌های مطالعه بین‌المللی آموزش مدنی و شهروندی (ICCS) شولتز و همکاران (۲۰۱۸، ۲۰۲۴) حاکی از این واقعیت است که وجود «جو کلاسی باز برای بحث» —که تجلی فلسفه مشورتی هابرماس و دیویی است— بهترین پیش‌بینی‌کننده گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای سیاسی آینده، احترام به برابری حقوق اقلیت‌ها و تمایل به شرکت در فرایندهای تصمیم‌گیری است. مطالعه مقایسه‌ای کوئلس و همکاران (۲۰۲۴) و هس و مک‌اووی (۲۰۱۵) در کلاس‌های درس سیاسی نشان داد هنگامی که معلمان مهارت مناظره اخلاقی و تفکر انتقادی را پیرامون موضوعات مناقشه‌برانگیز سیاسی آموزش می‌دهند، تفکر قالبی و تعصب حزبی در میان نوجوانان به شکل معناداری کاهش می‌یابد.

در بافت پژوهش‌های بومی، مطالعه ماهروزاده و رمضان‌پور (۱۳۹۰) و ملانوری و همکاران (۱۴۰۴) نشان داد اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان (C4P) با تکیه بر روش «اجتماع پژوهی»، منجر به رشد چشمگیر مهارت‌های پرسشگری، احترام به حقوق دیگران و روحیه کار تیمی به عنوان سنگ‌بنای رفتار شهروندی شده است. با این حال، گلشنی و همکاران (۱۳۹۹) و لقمانی‌نیا و همکاران (۲۰۲۶) در فراتحلیل و برنامه‌ریزی درسی در ایران خاطرنشان ساختند که در برنامه‌های درسی موجود، شکاف عمیقی میان آموزش حافظه‌محور و مهارت‌های مشارکتی واقعی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان با وجود گذراندن دوره‌های علوم اجتماعی، مهارت کافی برای حل تعارض، تفکر مدنی مستقل و ورود مؤثر به رفتارهای مشارکتی را کسب نمی‌کنند.

جدول ۷: سنتز یافته‌های تجربی مداخلات پداگوژیک بر مهارت‌ها و رفتارهای سیاسی دانش‌آموزان

ردیف	نام مطالعه و سال	نوع پژوهش / جامعه	نوع مداخله پداگوژیک	متغیر وابسته / رفتار سیاسی ارزیابی‌شده	یافته کلیدی
۱	تگل‌بکرز، نیولینک و اوستدام (۲۰۲۳)	مرور نظام‌مند ۵۱ مداخله تجربی	بحث درباره مناقشات، شبیه‌سازی، یادگیری خدمت‌محور	دانش مدنی، نگرش‌های دموکراتیک، قصد مشارکت	روش‌های مشارکتی و باز، اثرگذاری معنادار و پایدارتری نسبت به آموزش مستقیم دارند.
۲	دنباواند و هاسکینز (۲۰۲۱)	مرور ۲۵ کارآزمایی کنترل‌شده	آموزش شهروندی فعال و رویکرد جامع مدرسه‌ای	خودکارآمدی سیاسی، رفتار انتخاباتی، کنشگری مدنی	تمرین دموکراسی در ساختار اداری مدرسه، شکاف نابرابری در مشارکت سیاسی را کاهش می‌دهد.
۳	شولتز و همکاران (۲۰۱۸، ۲۰۲۴)	پیمایش بین‌المللی ICCS در ۲۴	جو کلاسی باز برای بحث، شوراهای دانش‌آموزی	دانش مدنی، قصد مشارکت در رأی‌دهی، اعتماد	جو کلاسی باز قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رفتارهای مدنی است؛ در حالی که دانش تئوریک

			کشور	نهادی	لزوماً به کنشگری اعتراضی منجر نمی‌شود.
۴	نارنجو ناواس و همکاران (۲۰۲۶)	مرور دامنه‌گستر تربیت معلم	آموزش معلمان برای پداگوژی دموکراتیک	انتقال عاملیت، حل مناقشات درون‌کلاسی	معلمان در اجرای روش‌های دموکراتیک درون کلاس موفق‌اند اما در اصلاحات ساختاری کلان با موانع نهادی مواجه هستند.
۵	ملانوری و همکاران (۱۴۰۴)	نیمه‌آزمایشی بر دانش‌آموزان	برنامه فلسفه برای کودکان (C4P) و اجتماع‌پژوهی	ابعاد تربیت شهروندی، روحیه مدارا و عدالت‌خواهی	ارتقای چشمگیر قدرت استدلال، پذیرش آرای مخالف و تمرین اخلاق گفت‌وگو در دانش‌آموزان.
۶	گلشنی، مکی آل‌آقا و اعتماداهری (۱۳۹۹)	پژوهش آمیخته در برنامه درسی	طراحی الگوی درسی شهروندی تلفیقی	جامعه‌پذیری سیاسی، عدالت‌خواهی و نظم جمعی	هشت مؤلفه کاربردی شامل یادگیری مشارکتی و حل مسئله به عنوان ضرورت‌های اصلاح رفتاری تبیین شد.

۳. چالش‌ها و روندهای نوظهور: شهروندی دیجیتال و دوقطبی‌سازی سیاسی

تحولات فناوری اطلاعات، اکوسیستم تربیت شهروندی را دگرگون ساخته است. بر اساس مطالعات اخیر، شهروندی مدرن دیگر محدود به مرزهای ملی و فضاهای فیزیکی نیست، بلکه در پلتفرم‌های مجازی، شبکه‌های اجتماعی و فضاهای متأثر از الگوریتم‌های هوش مصنوعی جریان دارد (مک‌اووی و همکاران، ۲۰۲۴؛ کوئلس و همکاران، ۲۰۲۴). یکی از چالش‌های بنیادین فلسفی در این حوزه، پدیده «حباب‌های اطلاعاتی» و اتاق‌های پژواک است که سبب تعمیق شکاف‌های سیاسی و کاهش ظرفیت مدارای دموکراتیک می‌گردد. در این بستر، فلسفه تعلیم و تربیت موظف است مهارت‌های نوینی نظیر «سواد رسانه‌ای انتقادی» و «سواد اطلاعاتی مبتنی بر اخلاق دیجیتال» را بازتعریف نماید. رفتار سیاسی جوانان امروزی از احزاب و تشکل‌های ساختارمند به سوی «کنشگری دیجیتال»، راه‌اندازی پویش‌های آنلاین و شبکه‌های افقی تغییر جهت داده است؛ فرایندی که اگر با بینش فلسفی و تحلیل ساختاری همراه نباشد، به پوچ‌گرایی سیاسی، کنشگری سطحی یا خشم پراکنده آنلاین فروکاسته می‌شود (ترودو-بلومبرگ و همکاران، ۲۰۲۲).

جدول ۸: ماتریس مقایسه‌ای مهارت‌های شهروندی کلاسیک در برابر مهارت‌های شهروندی معاصر/دیجیتال

بعد شایستگی	رویکرد سنتی شهروندی (پیش از ۲۰۱۵)	رویکرد مدرن شهروندی (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶)	بستر فلسفی تحول
سواد اطلاعاتی و شناختی	حفظ کردن ساختار قانون اساسی و وظایف قوا	سواد انتقادی رسانه‌ای، تشخیص اخبار جعلی و تحلیل الگوریتم‌ها	گذار از شناخت‌شناسی پوزیتویستی به هرمنوتیک انتقادی
ارتباطات و	انشای کلاسی، سخنرانی تک‌گویانه	مناظره مشورتی، دیالوگ بین‌فرهنگی، تاب‌آوری ابهام	اخلاق ارتباطی هابرماس و پلورالیسم اگونیستی

دیالوگ			
مشارکت و رفتار سیاسی	محدود به رأی‌دهی در انتخابات رسمی	عاملیت ترکیبی (حضوری، شبکه‌ای، محلی، فراملی، محیط‌زیستی)	پراگماتیسم دیویی و سوبژکتیواسیون بیستا
حل تعارضات اجتماعی	سرکوب تفاوت‌ها در جهت وحدت یکپارچه	مدیریت سازنده مناقشات، به رسمیت شناختن دگرپذیری	شالوده‌شکنی پست‌مدرن و اگونیسم موف
گستره جغرافیایی هویت	صرفاً وفاداری به دولت-ملت محلی	تعادل میان هویت ملی، محلی و شهروندی جهانی پایدار	چارچوب آموزش شهروندی جهانی یونسکو

بحث و نتیجه‌گیری

ترکیب و سنتز جامع ادبیات فلسفی و شواهد تجربی ارزیابی‌شده در این مقاله نشان می‌دهد که فلسفه تعلیم و تربیت، ساختار نامرئی اما بنیادینی است که هندسه مهارت‌های شهروندی و جهت‌گیری‌های رفتار سیاسی جامعه را معماری می‌کند. تحلیل تطبیقی مکاتب فکری آشکار ساخت که میان پارادایم‌های تربیتی توافقی ضمنی در خصوص ناتوانی شیوه‌های سنتی آموزش در مواجهه با دنیای مدرن وجود دارد؛ با این حال، تفاوت بنیادینی میان افق‌های مورد نظر آن‌ها به چشم می‌خورد: در حالی که رویکردهای کارکردگرا و نئولیبرال درصدد محدودسازی رفتار سیاسی به ثبات‌بخشی، همنوایی اجتماعی و مصرف‌گرایی فردی هستند، رویکردهای برخاسته از پراگماتیسم، پداگوژی انتقادی، اخلاق ارتباطی و تکثرگرایی اگونیستی، تعلیم و تربیت را کانون پرورش عاملیت رهایی‌بخش، خودآگاهی و بازسازی دموکراتیک ساختارهای ناعادلانه قلمداد می‌کنند. شواهد متقن کارآزمایی‌ها و ارزیابی‌های بین‌المللی و ملی نظیر مطالعات تگل‌بکرز و همکاران، دنباواند و هاسکینز، شولتز و همکاران، و لقمانی‌نیا و همکاران، همگی بر این حقیقت مهر تأیید می‌زنند که دانایی نظری پیرامون سیاست به تنهایی به مشارکت مؤثر سیاسی ختم نمی‌شود، بلکه این ساختار تجربی مدرسه، جو کلاسی باز برای بحث، و تمرین عملی دموکراسی در قالب اجتماعات پژوهشی و شوراهای دانش‌آموزی است که حس توانمندی و خودکارآمدی سیاسی را در سوژه‌ها شکوفا می‌سازد. علی‌رغم این انباشت غنی از دانش، این مرور نقادانه چندین خلأ اساسی را در ادبیات پیشین آشکار می‌سازد: نخست، اکثر مطالعات بر لایه خرد پداگوژیک (روابط درون کلاسی معلمان و شاگردان) متمرکز بوده‌اند و پیوند میان آموزش دموکراتیک با دگرگونی‌های ساختاری و نهادی در سطح حاکمیت‌های آموزشی—که نارنجو ناواس و همکاران از آن به عنوان غیبت تحول نهادی یاد می‌کنند—به‌شدت مغفول مانده است؛ دوم، شکاف فزاینده‌ای میان فلسفه آموزش شهروندی کلاسیک با واقعیت‌های زیست‌جهان دیجیتال و فضای مجازی وجود دارد، به‌طوری که تبیین نحوه شکل‌گیری اخلاق مدنی در مواجهه با قطبی‌سازی‌های هوش مصنوعی و بسترهای رسانه‌ای نیازمند بازطراحی چارچوب‌های نظری جدید است؛ و سوم، در بافت مطالعات داخلی، نیاز مبرمی به بومی‌سازی پیوند میان مبانی دینی-فلسفی تعلیم و تربیت با مهارت‌های عملی شهروندی احساس می‌شود تا پداگوژی رسمی از رویکردهای انفعالی و حافظه‌محور به سمت مدل‌های دیالوژیک، انتقادی و تجربی حرکت کند. بر این مبنا، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و پژوهشگران آینده، به جای اکتفا به افزودن فصول حفظی به کتب درسی، بسترهای ساختاری را برای بازگشایی جو مباحثه آزاد پیرامون مسائل روز در مدارس فراهم آورند، برنامه‌های درسی تربیت معلم را با مبانی فلسفی پداگوژی دموکراتیک و رویکرد اجتماع‌پژوهی پیوند زنند، و مدل‌های ترکیبی آموزش شهروندی دیجیتال را متناسب با واقعیت‌های شبکه طراحی

نمایند؛ چرا که تنها از مسیر بازتعریف بنیادهای فلسفی آموزش به عنوان تمرین زیسته دموکراسی، همبستگی و عدالت است که می‌توان جامعه‌ای برخوردار از شهروندان آگاه، نقاد، مسئولیت‌پذیر و برخوردار از رفتارهای سیاسی خردورزانه را در عصر آشوب‌های پساحقیقت و ناپایداری‌های مدرن پی‌ریزی کرد.

منابع

- فرهادی، الهام؛ کسرائی، محمدسالار؛ و توسلی رکن‌آبادی، مجید. (۱۴۰۱). بررسی جایگاه آموزش شهروندی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند ۲۰۳۰ یونسکو. *فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی*، ۱۹(۱)، ۷۵–۹۸.
- گلشنی، مریم؛ مکی آل‌آقا، بدیع‌الزمان؛ و اعتماداهری، علاءالدین. (۱۳۹۹). طراحی الگوی برنامه درسی آموزش شهروندی برای دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی. *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۴(۵۱)، ۳۹–۶۰.
- کمال‌پورخوب، ناصر؛ کریمیان، علیرضا؛ و پناهی، محمدحسین. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی مواضع سیاسی تربیت دانش‌آموز به مثابه شهروند مطلوب در اسناد بالادستی آموزش و پرورش. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۱۹(۷۵)، ۶۵–۸۶.
- لقمانی‌نیا، مهدی؛ احمدی، پروین؛ و موسی‌پور، نعمت‌الله. (۲۰۲۶). فراتحلیل مطالعات آموزش شهروندی در برنامه‌های درسی ایران: چالش‌ها، دستاوردها و افق‌های آینده. *نشریه بین‌المللی علوم شناختی و تربیتی*، ۸(۱)، ۱۱۵–۱۳۸.
- ماهروزاده، طیبه؛ و رمضان‌پور، شیوا. (۱۳۹۰). تأثیر روش اجتماع پژوهی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت‌های شهروندی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی. *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۷(۳)، ۶۱–۸۲.
- ملانوری، سعیده؛ برزگر بفروئی، کاظم؛ استبرقی، مهدیه؛ و شاکری، محسن. (۱۴۰۴). اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر تربیت شهروندی دانش‌آموزان به مثابه یک کارکرد رهبری آموزشی دموکراتیک. *فصلنامه پژوهش‌های رهبری آموزشی*، ۹(۳۶)، ۱۵۵–۱۷۲.
- منافی شرف‌آباد، کاظم؛ زمانی، الهام؛ و مهدوی‌خواه، علی. (۱۳۹۴). الگوی کارآمد تربیت شهروند جهانی در بستر نظام آموزش و پرورش: رویکردی بر فلسفه تربیتی معاصر. *پژوهش‌های تربیتی*، ۳۱(۲)، ۲۱–۴۵.
- نقی‌زاده، نفیسه؛ و امیدی، جمشید. (۱۳۹۶). بررسی جایگاه آموزش و پرورش در تربیت شهروندی و رفتارهای سیاسی دانش‌آموزان. *همایش ملی آموزش و پرورش و توسعه پایدار دانشگاه فرهنگیان*، ۱–۱۲.

- Biesta, G. (۲۰۱۵). What is education for? On good education and the teacher’s dignity. *Policy Futures in Education*, ۱۳(۱), ۷۷–۸۷.
- Castaneda, L., Selwyn, N., & Eynon, R. (۲۰۲٤). Digital citizenship and the critical philosophy of educational platforms: A reimagining of public agency. *Learning, Media and Technology*, ٤۹(۲), ۱۸۳–۱۹۸.
- Carstensen, M. (۲۰۲۳). Agonistic democracy and classroom practice: Transforming political conflict into civic competence. *Journal of Curriculum Studies*, ٥٥(٤), ٤۱۲–٤۲۹.
- Council of Europe. (۲۰۱۸). *Reference framework of competences for democratic culture: Context, concepts and model (Vols. 1–3)*. Council of Europe Publishing.
- Donbavand, I., & Hoskins, B. (۲۰۲۱). Citizenship education for political engagement: A systematic review of controlled trials. *Social Sciences*, ۱۰(٥), Article ۱٥۱, ۱–۲٤.
- Giroux, H. A. (۲۰۲۰). *On critical pedagogy* (۲nd ed.). Bloomsbury Academic.
- Hess, D. E., & McAvoy, P. (۲۰۱٥). *The political classroom: Evidence and ethic